

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۹۲

مُقَطَّعات

۹۳

در فراق ابراهیم

ماه اوج حسن ابراهیم، کز شرم رُخت
آنکه با رخسار او تیره ست، روی آفتاب
هرکه ابراهیم*^۱ را، در آذر تابان ندید
ای به پیش ماه رویت، تیره ماه آسمان
بی‌تو در چشم بود رفتار زاغ و بانگ جغد
در هوای بوسه ای، از آن لبان جانفزای
و عده کردی کامشب آیم در اتاقت^۲ یک زمان
بشکند بازار مه، بر اوج چرخ چنبری
وانکه از دیدار او خیره ست چشم مشتری
گو ببین بر روی ابراهیم، خال عنبری
وی به پیش سرو قدت پست،^۲ سرو کشمیری
جلوه طاووس، است و خنده کبک دری
بر لب آمد جانم ای رویت چو گلبرگ طری
وان گهی کردی خلاف و عده ای رشک پری

* حضرت ابراهیم

^۲ "کاشمر" یا "کشمیر" و یا "ترشیز" امروزی، که زمانی جزء قلمرو امپراتوری ابدالی افغانستان بود، به "سرو" خود بسیار مشهور است، چنان که در ادبیات زبان دری از "سرو کاشمر" و "سرو کشمیری" و "سرو همیشه مثال زده شده است.

محنت و اندوه من در فرقتت، از حد گذشت وقت آن شد کز ترحم، جانب من بنگری